

یک سند منتشر

نشده از

مشروطه

مقدمه

بر کسی مخفی نیست که از ابتدای شروع نهضت مشروطه در ایران تاپیروزی آن ، سردمداران اصلی این نهضت، علمای بزرگ تشیع بوده‌اند که نقش رهبری و جهت دهی به نهضت را بر عهده داشته‌اند.

آنچه که در این میان باید به آن توجه داشت ، این است که نظام مطلوب در اندیشه علما چه بوده است و آنها چه برداشتی از الفاظی مثل مشروطه داشته‌اند؟ به نظر، بهترین و مطمئن‌ترین راهی که برای حل این مشکل پیش رو داریم، مراجعه به همان دست نوشته‌ها و مدارکی می‌باشد که از آنها به جای مانده

است. چرا که گاهی چنان معانی این الفاظ و محدوده آنرا از دیدگاه خود مشخص نموده‌اند که جای هیچ شبهه و تردیدی را باقی نگذاشته‌اند. علاوه بر این که وقتی با مراجعه به این متون ، مقصود و مطلوب علما از این الفاظ مشخص شد ، به سادگی می‌توان علت کناره‌گیری تدریجی آنها را از صحنه سیاسی بعد از پیروزی نهضت مشروطه به دست آورد.

آنچه پیش رو دارید، نوشته‌ای منتشر شده از دو رهبر نام‌دار مشروطه؛ مرحوم آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی می‌باشد که برای رفع ابهام از عنوان مشروطه و جلوگیری از سوء استفاده برخی عناصر ضد دینی در مشروطه دوم - که چهره اصلی آنها با شهادت شیخ فضل‌الله نوری مشخص تر شده بود - نگاشته شده است .

جا دارد از جناب استاد آقای موسی فقیه حقانی (مدیر پژوهش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران) که این سند ارزشمند را جهت نشر در اختیار ما قرار دادند قدردانی کرده، کمال سپاس را به جای آوریم.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چون به موجب مکاتیب معتبره واصله از امهات بلاد، مواد فاسده مملکت، این موقع را مغتنم و به اسم مشروطه خواهی، خودی به میان انداخته، مقاصد فاسده خود را در لباس مشروطیت اظهار و موجبات اذهان مسلمین را فراهم نموده و می نمایند؛ لهذا محض سدّ این باب الابواب فساد و افساد، توضیحاً للواضح اظهار می نمایم: مشروطیت هر مملکت عبارت از محدود و مشروط بودن ارادات سلطنت و دوایر دولتی است به عدم تخطی از حدود و قوانین موضوعه برطبق مذهب رسمی آن مملکت. و طرف مقابل آن که استبدادیت دولت است، عبارت از رها و خود سر بودن ارادات سلطنت و دوایر دولتی و فاعل ما یشاء و حاکم مایرید و قاهر بر رقائب و غیر مسؤل از هر ارتکاب بودن آنها است در مملکت. و آزادی هر ملت هم که اساس مشروطیت سلطنت مبتنی بر آن است، عبارت است از عدم مقهوریتشان در تحت تحکّمات خود سرانه سلطنت و بی مانعی در احقاق حقوق مشروع ملیه. و رقبته مقابل آن هم عبارت از همین مقهوریت مذکوره و فاقد هر چیز بودن در مقابل ارادات دولت است.

و چون مذهب رسمی ایران، دین قویم اسلام و طریقه حقه اثنا عشریه - صلوات الله علیهم اجمعین - است، پس حقیقت مشروطیت و آزادی ایران، عبارت از عدم تجاوز دولت و ملت از قوانین منطبقه بر احکام خاصه و عامه مستفاده از مذهب و مبنیه بر اجراء احکام الهیه - عز اسمه - و حفظ نوامیس شرعیه و ملیه و منع از منکرات اسلامیّه و اشاعه عدالت و محو مبانی ظلم و سدّ ارتکابات خود سرانه و صیانت بیضه اسلام و حوزه مسلمین و صرف مالیّه ماخوذه از ملت در مصالح نوعیه راجعه به نظم و حفظ و سدّ ثغور مملکت خواهد بود؛ و مبعوثان ملت هم اُمّانی خواهند بود که خود ملت به معاشرت تامه، آنها را به وثاقت و

امانت و درایت کامله شناخته برای مراقبت در این امور انتخاب نمایند. آنچه این خدام شریعت مطهره، به وجوب اهتمام در استقرار و استحکام آن حکم نمودیم، به منزله مجاهدت در رکاب امام زمان - ارواحنا فداه - دانستیم، این مطلب بود. اساس مسلمانی بر این مطلب مبتنی و در فصل دوم متمم قانون اساسی هم که سابقا امضا نمودیم، ملزوم عدم مخالفت قوانین موضوعه با احکام شرعیه را تصریح و کاملاً این معنی رعایت نموده و امیدواریم که انشاء الله تعالی عموم ملت هم در انتخابات مبعوثان خود از مردمان صحیح کامل و کسانی که به معاشرت که به عدم خیانت ایشان بدین و دولت و مملکت و ملت معلوم باشد، بذل مراقبت نموده و خواهند نمود و مبعوثان عظام هم، حق امانت داری را کمابینی اداء و سر موئی خیانت به هیچ کدام را البته روا نخواهند داشت و بعون الله تعالی و حسن تأییده، همچنانکه مشروطیت و آزادی سایر دول و ملل عالم بر مذاهب رسمیه آن ممالک استوار است، همین طور در ایران هم بر اساس مذهب جعفری - علی مشیده السلام - کاملاً استوار و مصون از خلل و پایدار خواهد بود و هیچ صاحب غرض فاسد و مفسدی متمکن نخواهد بود که خدای نخواستہ، خودی به میان اندازد و بر خلاف قوانین و احکام مذهب جعفری، حکم قانونی جعل، و زندقه و بدعتی احداث، و قانون اساسی و اصل مشروطیت ایران را نقض، و استبدادی به شکل ملعون دیگر به مراتب اشنع از اول، بر پا نماید.

و البته اسلام پرستان مملکت و سرداران عظام ملت - ایدهم الله تعالی - که جانهای خود را در طریق این مقصد بزرگ اسلامی فدا نموده اند، کاملاً مراقب و هرگز چنین استبداد ملعونی را تن در نخواهند داد. انشاء الله تعالی و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

الاحقر عبدالله المازندرانی، الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی
فی نمره شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۷، نجف اشرف، در مطبعة مبارکه علوی طبع گردید.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی